

تقنین در حوزه هنر

سیداحمد حبیب‌نژاد^۱، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران

چکیده

قانون‌گذاری - وضع قواعد کلی، نوعی و لازم‌الاجرا - از شئون حکمرانی است و حکومت‌ها از این ابزار برای تنظیم روابط اجتماعی و نیز رسیدن به اهداف، مقاصد و «آرمان» خود بهره می‌برند. پرسشی که مطرح می‌گردد آن است که آیا هنر نیز می‌تواند موضوع تقنین و قانون‌گذاری قرار بگیرد؟ و اگر جواب هم مثبت باشد این گستره وضع قواعد نوعی تا کجاست؟ در حوزه تقنین هنری باید بپذیریم که اصل بر عدم دخالت دولت در وضع قواعد است مگر اینکه مصلحت این دخالت برای جامعه بیشتر از ضرر عدم ورود حاکمیت در این موضوع باشد همچنان که مقنن باید بپذیرد که حوزه‌های «آزادی» در مقوله هنر باید فراخ‌تر از حوزه‌های کنترل‌شده باشد و این تحدیدهای تقنینی بر هنر نباید به‌گونه‌ای باشد که مصداق این قاعده گردد که «تخصیص اکثر مستهجن است».

در گستره ورود حاکمیت برای تقنین در موضوع هنر نیز باید اصولی مورد پذیرش نهادهای مقررات‌گذاری باشد از جمله اینکه تقنین هنر باید بیشتر تکیه بر «حمایت» داشته باشد و جنبه‌های حمایتی قانون‌گذاری بسیار پررنگ باشد و نیز اصل «پس‌کنترلی» در هنر بایستی باعث گردد تا حد ممکن کنترل‌های پیشینی در هنر به حداقل برسد و بر اساس اصل

۱. a.habibnezhad@ut.ac.ir

«انعطاف‌پذیری»، حوزه هنر شایسته قوانین سخت و غیرقابل انعطاف نیست. همچنین بر اساس اصل استماع، «مشارکت» اهل هنر در وضع، تفسیر و اجرای قوانین بسیار حیاتی است به خصوص در مرحله ابتکار تقنینی که عدم مشارکت هنرمندان می‌تواند قانون مربوطه را با چالش‌هایی مواجه نماید.

▲ کلیدواژگان

هنر، قانون، قانون‌گذاری، انعطاف‌پذیری، اصل آزادی

مقدمه: ▀

تقنین هنر با دو ترمینولوژی عمده سروکار دارد؛ قانون و هنر لذا باید مرادمان از این دو مفهوم را بیان نماییم. هرچند «پرسش از چیستی قانون پرسشی دیرین بوده است» (هربرت هارت، ۱۳۹۰: ۱۱) ولی به طور معمول قانون را دارای دو معنای عام و خاص می‌دانند که معنای عام آن شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها هم می‌شود و در اصطلاح دستورات کلی صادره از مراجع صلاحیت‌دار و مصوب مجلس قانون‌گذاری است که دارای مصادیق متعدد است. حقوق‌دانان قانون را به دو معنای عام و خاص تفکیک نموده‌اند. مقصود از معنای عام آن قواعد و مقرراتی است که از سوی مقامات صلاحیت‌دار خواه قوه مقننه و خواه قوه مجریه یا شخص رئیس دولت باشد وضع می‌شود که شامل تصویب‌نامه و بخشنامه‌های اداری در کنار مصوبات مجلس می‌گردد. (محمدجعفر جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۵۱۷)

قانون در معنای خاص آن‌که در اصطلاح حقوق اساسی نیز به این معناست، مفهوم ویژه‌ای را مطرح کرده است که از تصمیمات قوه مجریه مجزاست و به قواعدی اطلاق می‌شود که با طی تشریفات مقرر شده در قانون اساسی از سوی مجلس شورای اسلامی وضع شود یا از طریق همه‌پرسی به طور مستقیم به تصویب مردم برسد.

مقصود از قانون در حوزه تقنین هنر، قانون در معنای عام است و واکاوی نسبت نظام قانونی در معنای عام آن با هنر مقصود نظر نویسنده است

تبارشناسی واژه هنر به زبان اوستایی و پهلوی می‌رسد به معنای «نیک‌مرد یا انسانی با فضایل و خصایل پاک انسانی» که از دو واژه «هو» به معنای خوب و نیک و «نر» به معنای مرد تشکیل شده است (حسن بلخاری قهی، ۱۳۹۳: ۴۳).

در خصوص تعریف اصطلاحی هنر نیز به نظر می‌رسد یا این مفهوم قابلیت تعریف به مفهوم منطقی را ندارد (همان: ۴۴) و یا مفهومی بغرنج است که تعریف آن بسیار مشکل و پیچیده است. در برخی نظریات نیز هنر واجد نوعی «ذات» است لذا «برخی آثار به نحوی روشن و انکارناپذیر واجد ماهیت هنری» هستند (جان هاکسون، ۱۳۹۶: ۶۵) هرچند این نظریه مخالفین جدی دارد و اصل «ذاتی» بودن هنر برای یک اثر را نفی می‌نمایند و «هنری بودن» را برجسی می‌دانند که از سوی گروه‌های ذی‌نفع به آن اثر داده می‌شود (همان).

شاید به این خاطر است که توافقی واحد بر روی تعریف هنر وجود ندارد اما با این حال شاید بتوان «اندیشه خلاقانه» را رکن رکن هنردانست که البته دایره زیادی از فعالیت‌های انسانی را در بر می‌گیرد و ابزارها و فرم‌های گوناگونی را تحت پوشش قرار می‌دهد و این دایره در طول زمان در حال گسترش و در عین حال تطور است.

برخی نیز هنر را ابزار بیان آرمان‌ها و آرزوهای انسانی (دویت اچ پارکر، ۱۳۹۶: ۳۳) و «ابزار زدگی زیباشناختی» (همان: ۳۴) معرفی می‌کنند و برخی دیگر معتقد هستند «مراد ما از آثار هنری مجموعه‌ای است که همه اعضای آن مجموعه کیفیت مشترک و ویژه‌ای داشته باشند» (اسوالد هنفلینگ، ۱۳۹۳: ۱).

سؤال اصلی مقاله آن است که آیا اصلاً هنر قابلیت تقنین دارد؟ و اگر جواب مثبت است پرسش بعدی به میان می‌آید که این قانون‌گذاری چه گستره‌ای دارد؟ و باید چه اصول و قواعدی را در این حوزه رعایت نمود؟

▲ مناسبات تقنین و هنر

اولین برداشتی که در ذهن ایجاد می‌شود آن است که هنر اصلاً نمی‌تواند موضوع قانون‌گذاری شود. استدلال در این باره آن است که جنس هنر «تخیل» است و قانون توانایی به قید کشیدن «خیال» و «آفرینش» را ندارد. احساس مهم‌ترین نکته در هنر است (گوردون گراهام، ۱۳۹۴: ۵۳).

جنس خیال آن‌گونه است که محی‌الدین ابن عربی خیال را از آن جهت که خلاق است، شبیه‌ترین موجودات به خداوند می‌داند (نصرت‌الله حکمت و همکار، ۱۳۹۲: ۷) و به قول حضرت مولانا تمام هستی بر «خیال» استوار است:

نیست‌وش باشد خیال اندر روان

توجهانی بر خیالی بین روان

بر خیالی صلحشان و جنگشان

وز خیالی فخرشان و ننگشان

ویژگی برتر دیگر خیال، عدم ثبات خیال است که در هر آئی قابلیت تحول و تطور دارد و اصلاً ایستا نیست همچنان که حافظ شیرین سخن می‌گوید:

گفتم که بر خیالش راه نظر ببندم

گفتا که شب رواست او از راه دیگر آید

اگر این‌گونه باشد هنر نیز که بر «خیال» استوار است قابلیت موضوع شدن و متعلق گردیدن برای قواعد ثابت کلی یعنی قانون را ندارد. هنر به قید نیروهای قانون‌گذار در نمی‌آید و آزاد است و رها. لذا نمی‌توان مثلاً «شعر» را تحت قواعد مقررات حکومتی قرار داد چون تابع «ذهن» آفرینشگر شاعر است و بس.

اندیشه مقابل می‌تواند آن باشد که ظهور و بروز هنر «عمل» انسان است که تبدیل به متنی از داستان یا شعر یا نقاشی یا مجسمه می‌گردد. قانون بر این «عمل» انسانی مترتب می‌شود و نه بر «خیال» یا «خلاقیت» ایجادکننده این آثار هنری.

هنریک پدیده اجتماعی است و مانند هر پدیده اجتماعی می‌تواند و باید متعلق و موضوع قانون قرار بگیرد چون حقوق «تنظیم‌کننده روابط و پدیده‌های اجتماعی» است و گستره آن شامل هنر نیز می‌شود.

البته می‌توان این دیدگاه را این‌گونه معتدل نمود که حتی اگر معتقد باشیم که هنر قابلیت تقنین دارد ولی شاید بهتر باشد قوای عمومی و حکومتی اصلاً وارد حوزه تقنین هنر نگردند چون «مقید» کردن هنر به قواعد قانونی یعنی از بین رفتن گوهر هنر.

اما شاید بتوان بین دو دیدگاه را جمع نمود بدین صورت که هنر دو جنبه درونی و بیرونی

دارد، جنبه درونی هنر که همان خیال، اشتیاق، تخیل و آفرینش است اصلاً نمی‌تواند موضوع مقررات گذاری واقع شود ولی جنبه بیرونی هنر که همان آثار خارجی و ظاهری هنر است می‌تواند متعلق قانون قرار بگیرد که البته این تعلق تقنینی باید محدود به شرایط، ضوابط و اصولی باشد.

▲ اصول وقواعد تقنین در حوزه هنر

اگر بپذیریم که قانون‌گذار به‌عنوان یکی از قوای حکومتی برای نظم دادن به روابط و پدیده‌های اجتماعی حق وضع قواعد کلی نوعی لازم‌الاجرا را دارد ولی حتماً باید این امر را هم مسلم بدانیم که این دخالت در حوزه هنر باید تحت شرایط و ضوابطی باشد. البته رویکردهای دولت‌ها در مواجهه با این موضوع می‌تواند بسته به نوع نگاهشان به مقوله «خیر» و تقدم یا تأخر «حق» و «خیر» متفاوت باشد بدین معنا که دولت‌هایی که قائل به تقدم «خیر» هستند و هدف «تربیت» شهروندان خود را به سوی «سعادت» در برنامه‌های خود دارند بدون شک هم دایره «دخالت» شأن در هنر بزرگ‌تر می‌شود و هم ابزارهای مداخله‌شان متنوع‌تر است برخلاف دولت‌هایی که در تقابل حق و خیر، تقدم را به «حق» می‌دهند که در اینصورت هم گستره دخالت در هنر مضیق‌تر می‌شود و هم از تنوع ابزارها کاسته می‌گردد.^۱

▲ اصل آزادی

بر اساس ارتکازات فطری و نیز بر اساس قواعد حقوقی و فقهی (کل شی حلال حتی تعلم انه حرام) اصل در روابط فردی و اجتماعی، بر آزادی است و حتی اگر به دلایل منطقی و معقول قائل به مداخله نظام تقنینی کشور در حوزه‌های هنری باشیم اما باید این قاعده مهم را بپذیریم که اصل در این روابط و حوزه‌ها، آزادی عمل هنرمندان و اختیار عمل آنان است. ثمره تأسیس این اصل در حالت تردید و شک در ورود یا عدم ورود نظام تقنینی در

۱. رک: حسین رحمت‌الهی، امید شیرزاد، کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۹۶؛ راسخ، محمد، محمد رضا رفیعی، نسبت حکومت با زندگی مطلوب «نگرشی به رویکرد کمال‌گرایی»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۰

حوزه‌های هنری خود را نشان می‌دهد که بر این اساس قانون تنها در جایی می‌تواند حضور پیدا کند و نظام تقنینی در مواردی می‌تواند از ابزارهای قانونی خود در عرصه هنر استفاده نماید که «یقین» داشته باشیم «فایده» این مداخله بیشتر از «ضرر» عدم دخالت است و لذا اگر در مصادیقی چنین یقینی وجود نداشته باشد اصل بر عدم جواز مداخلات تقنینی در عرصه‌های هنری است.

به تعبیر دیگر اصل بر آزادی در عرصه هنر است مگر آنکه عدم مداخله در آن، باعث «ضرر»‌هایی گردد که نوعاً از «فایده» مداخله بیشتر باشد. اصل عدم ورود و مداخله تقنینی در حوزه هنر از این باب هم مهم است که «محصولات قانون‌گذاری در جوامع پسا مدرن از لحاظ تعداد به مرحله خطرناکی رسیده و از تولید انبوه قانون سخن به میان آمده است» (سوپن انگ، ۱۳۹۰: ۸۸) لذا در این انبوهی و تراکم قانون نباید تا ضرورت اقتضا نکرده است وارد حوزه‌هایی خاص و ویژه گردید.

▲ اصل منطقی و معقول بودن محدودیت‌های هنری

عقیده کانت صائب است که معتقد بود برای اجرای قانون و ایجاد نظم چاره‌ای از تحدید آزادی‌ها نیست (ناصر قربان نیا، ۱۳۸۵: ۱۳)؛ و لذا در اصل «تحدید» اختیارات و آزادی‌های انسان شکی نیست و بدون این تحدید بدون شک، حیات جامعه انسانی با خطرات جدی تا مرز نابودی مواجه می‌گردد ولی این مطلب نیز مهم است که عدم توجه به اصل اصیل «آزادی» و کاربرد بدون منطق و گسترده از «محدودیت»‌های برآزادی می‌تواند به خودکامگی بینجامد. در حوزه هنر نیز باید دقت داشت که هرچند اصل بر آزادی هنری است ولی این بدین معنا نیست که هیچ محدودیتی برای هنر و هنرمند وجود ندارد. هرچند «ذات» هنر «رهایی» است ولی هنر علاوه بر این ویژگی، پدیده‌ای اجتماعی نیز محسوب می‌گردد و از این منظر مانند هر پدیده و روابط اجتماعی تابع محدودیت‌هایی است.

مهم آن است که این محدودیت‌ها باید مبتنی بر اصول و قواعد ذیل باشند که تحدید صورت گرفته را منطقی و معقول نشان دهد (سید احمد حبیب نژاد، ۱۳۹۵: ۵۳):

الف: مقنن نمی‌تواند در تحدید هنر از واژگانی استفاده نماید که دارای بار تفسیری

گسترده‌ای است و یا از اصطلاحات کشدار بهره بگیرد. توسعه مفاهیم مقید و محدودکننده حقوق شهروندان - چون می‌تواند منجر به سلب اختیار اخلاقی فرد و حق تعیین سرنوشت او گردد- موجه نیست (سید قاری سید فاطمی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

ب: مقنن نمی‌تواند در تحدید هنر و هنرمندان مرتکب تبعیض گردد.

ج: مقنن نباید از محدودیت‌های اعمال شونده بر هنر سوءاستفاده نماید بلکه باید اهداف «نیک‌خواهانه» داشته باشد

د: مقنن باید در اعمال محدودیت‌ها حتماً دارای توجیه اخلاقی (هدف مشروع) باشد.

ه: محدودیت‌های هنری به‌طور صریح در قوانین مربوطه بیان گردد و بدون بیان قانونی (اصل حاکمیت قانون)^۲ هرگونه تحدید هنری ممنوع است.

و: میان محدودیت‌های هنری با اهدافی که مقنن آن را در این محدودیت‌ها اراده کرده است «تناسب»^۳ برقرار باشد.

ز: در مقام تفسیر - چه تفسیر قانونی و چه تفسیر قضایی - نسبت به مواد قانونی مرتبط با محدودیت‌های هنری تصویب شده باید اصل را بر تفسیر به نفع هنر قرار داد.

ح: محدودیت‌هایی که مقنن در عرصه هنر ایجاد می‌کند حتماً «ضرورت» داشته باشد به‌گونه‌ای که خطرناشی از عدم تحدید بر هنر متوجه یک امر جدی و معین و مشخص مربوط به احوال شهروندان باشد (محمدعلی موحد، ۱۳۸۱: ۲۸۳ - ۲۸۴).

ط: محدودیت‌های وارده از سوی مقنن بر هنر نباید به لحاظ کمی و کیفی به‌گونه‌ای باشد که فراخی و گستردگی آزادی عمل هنرمندان را بسیار محدود کند تا مصداق «تخصیص اکثر مستهجن است» نگردد و به تعبیر دیگر آزادی، اصل و محدودیت‌ها استثنا می‌باشند و نه برعکس.

در برخی از نظام‌های حقوقی بر اصل آزادی هنری و وجود شرایطی بر محدودیت‌های هنری در قانون اساسی تصریح شده است مانند اصل ۱۵ قانون اساسی آلمان «هر فردی حق دارد

۱. Legitimate Aim

۲. The rule of law

۳. principle proportionality

عقیده خود را آزادانه به وسیله نطق و قلم و تصاویر بیان و منتشر سازد و بدون مانع از منابعی که در دسترس همگان است بر اطلاعات خویش بیفزاید. آزادی مطبوعات و آزادی نشر اخبار به وسیله رادیو و فیلم تضمین شده است. سانسور به هیچ وجه وجود نخواهد داشت. ۲- این حقوق به وسیله مقررات قانون عمومی و مواد قانونی مربوط به حمایت طبقه جوان و برطبق حق مصونیت شرافت شخصی تحدید پذیر است. ۳- هنر و دانش و تحقیقات علمی و تعلیمات آزاد است. آزادی تعلیم نباید به کاهش وفاداری نسبت به قانون اساسی منجر بشود.»

▲ اصل حمایتی بودن مداخلات تقنینی

یکی از اصول مهم در عرصه ورود قانون گذار به حیطه هنر که می تواند از موجهات مداخله ای نیز محسوب گردد آن است که هرگونه مداخله و ورود مقنن در حوزه هنر باید به قصد «حمایت» از هنر و هنرمندان باشد.

هنر عرصه ای است که به دلایل فراوان اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نیاز شدید به حمایت دارد و حمایت های تقنینی باید به صورت های مختلف - مستقیم و غیرمستقیم - صورت پذیرد که البته این حمایت ها نباید به صورتی باشد که عنصر «خلاقیت» و «آفرینش گری» هنرمند را تحت الشعاع قرار دهد و اختیار عمل هنرمند را به سویی غیر از اراده واقعی او سوق دهد.^۱ این حمایت ها می تواند تصویب قوانین حمایتی از بیمه های هنرمندان را شامل شود تا حمایت های از آثار هنری را در قالب قوانین مالکیت فکری و حق کپی رایب.^۲

۱. قانونی تحت عنوان قانون شورای عالی فرهنگ و هنر مصوب ۱۳۴۶/۴/۱۴ این شورا تأسیس می کند که هدف آن هماهنگی برنامه های هنری، ایجاد همکاری بین سازمان های هنری و تصمیم گیری های این حوزه است. در این قانون شاهد وجود موارد حمایتی هستیم از جمله آن بندهای ماده ۶ که برای سهولت کار تأسیس مراکز، جلوگیری از تأسیس مراکز نامعتبر و ... بندهایی را پیش بینی نموده است. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show> ۹۶۰۷۸

اکنون فرهنگستان هنر جایگزین این شورا شده است

<http://www.honar.ac.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=۱&fkeyid=&siteid=۱&pageid=۱۷۲>

۲. رک: محمود حکمت نیا، چپستی آفرینش های هنری و ادبی و چرایی حمایت حقوق از آن ها، مجموعه مقالات همایش فقه و هنر، مدرسه اسلامی هنر، چاپ اول، ۱۳۹۵

▲ اصل حداقل رسانی کنترل

نظام‌های قانونی برای نشر و انتشار آثار و جلوه‌های هنری را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم نمود؛ نظام حقوقی پیشا کنترلی و پسا کنترلی. بهترین حالت برای حوزه هنر با توجه به ویژگی‌های خاص هنر، آن است که کنترل دولت برای اعمال محدودیت‌های منطقی و معقول یا برای صدور مجوزهای لازم برای نشر و اعلان آثار هنری به صورت پسینی باشد تا اراده هنرمند در آغاز یک فرآیند هنری خدشه‌دار نگردد. نظام پیشا کنترلی در حوزه هنر منجر به از بین رفتن استعدادها و خودسانسوری و در نهایت ضایع شدن هنرمی‌گردد.

▲ اصل انعطاف‌پذیری تقنینی

گوهر هنر از قوانین سخت و زمخت گریزان است. قواعد قانونی درشت و با تحکم نمی‌تواند میانه‌ای با هنر و هنرمندان داشته باشد. تکالیف الزامی سخت با روحیه هنرمندان سازگاری ندارد. لذا قانون‌گذار در مواجهه با موضوعات تقنینی مرتبط با هنر باید اصل انعطاف‌پذیری را رعایت نماید و دایره‌ای از اختیار را برای هنرمندان قرار دهد. از جمله نکات مهم در این خصوص، لزوم انعطاف قانون در حمایت از مصادیق آثار هنری هست که لازم است ابهام لیست مطرح در ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸)^۱ بر طرف شود تا به طور صریح‌تری برخی از هنرهای معاصر نیز تحت پوشش حمایت‌های قانونی در بیاید.^۲

۱. طبق این ماده «- اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است: ۱- کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هنرنویسه دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری. ۲- شعرو ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۳- اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۴- اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۵- نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد. ۶- هرگونه پیکره (مجسمه). ۷- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان. ۸- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد. ۹- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم. ۱۰- اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد. ۱۱- اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد. ۱۲- هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.»

۲. رک: سید حسن شبیری زنجانی، مطالعه تطبیقی چالش‌های حقوقی حمایت نظام کپی‌رایت از هنرهای معاصر با تأکید بر حقوق ایران و انگلستان، مجموعه مقالات همایش فقه و هنر، مدرسه اسلامی هنر، چاپ اول، ۱۳۹۵

▲ اصل مشارکت تقنینی هنرمندان

حوزه هنر عرصه‌ای خاص و ویژه است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تمام مؤلفه‌های حوزه هنر در آن ورود تقنینی نمود. نمایندگان اغلب با حوزه هنر آشنایی -ولو اجمالی- ندارند و شمار نمایندگان که خود نیز با هنر میانه دارند بسیار اندک است.

از این رو پیشنهادهای تقنینی نمایندگان و یا بررسی نمایندگان در خصوص پیشنهادهای تقنینی بدون در نظر گرفتن صاحبان اصلی هنر - هنرمندان - کاری عبث و بدون نتیجه مطلوب خواهد بود.

هنرمندان و تشکل‌های هنری باید به صورت جدی هم در مرحله پیشنهاد قوانین و هم در مرحله بررسی طرح‌ها و لوایح و هم اجرای قوانین فعال باشند و ساختار قانون‌گذار باید برای این مهم، برنامه‌ریزی شایسته‌ای انجام دهد.^۱

▲ نتیجه‌گیری

هرچند در تعریف اصطلاحی هنر و یا حتی اصل قابلیت تعریف هنر اختلاف وجود دارد ولی همواره هنر عنصری زنده و پویا در جامعه بوده و هست. از سوی دیگر دخالت روزافزون حکومت‌ها در حوزه هنر، موجب شده است تا لازم باشد مناسبات میان قانون و هنر مشخص گردد که اولاً آیا با وجود ویژگی‌هایی که هنر در خود دارد از جمله «رهایی» و «آفرینشگری» و «تخیل»، آیا می‌توان برای حوزه هنر نیز قانون‌گذاری نمود؟ شاید یکی از پاسخ‌ها به این پرسش این باشد که قانون حق و صلاحیت ورود در عرصه هنر را ندارد و نمی‌توان با زبان قواعد و مقررات قانونی به حوزه‌های هنر وارد شد.

اما واقعیت‌های اجتماعی این حق را به قانون‌گذار داده است تا در حوزه‌های هنری نیز مداخله نمایند اما در همین رویکرد نیز باید دست مقنن را به صورت مطلق وانهاد. حتی اگر

۱. در بند ده ماده ۶ قانون تأسیس شورای عالی فرهنگ و هنر حق اظهار نظر در خصوص لوایح تقدیمی وزیر فرهنگ و هنر را به اعضای این شورا می‌دهد با عنایت به ماده سه همین قانون اعضای شورا به درستی از میان هنرمندان و منتفعان این لوایح انتخاب می‌شود که مشارکت اهالی هنر در قوانین خود را تضمین می‌کند

حیات اجتماعی و ادامه و استمرار زندگی جمعی بشری نیاز به نظاماتی در تمام عرصه‌ها از جمله هنر است ولی باید پذیرفت که هرگونه تنظیم و وضع قوانینی در حوزه هنر باید متکی بر اصول و قواعدی باشد که بدون توجه به آن‌ها مداخله قانون‌گذار در هنر غیرموجه و غیراخلاقی محسوب می‌گردد.

اصل بر آزادی عمل هنرمند و عمل هنرمندانه است و این آزادی تنها و تنها باید مبتنی بر شرایط و ضوابط خاص خود محدود شود که البته این محدودیت نیز فقط با نیت نیک خواهانه و بدون سواستفاده از ابزارهای در اختیار حکومت باید صورت پذیرد.

قانون‌گذار در محدودیت‌های اعمالی بر هنر باید توجه کند که هم این محدودیت‌ها ضروری باشد و هم تناسب با اهداف مشروع مدنظر داشته باشد و هم آن‌قدر دارای مصادیق کیفی و کمی نباشد که «اصل آزادی» در هنر را مورد خدشه قرار دهد.

مقنن علاوه بر اینکه باید تمام همت خود را صرف حمایتی نمودن عملیات‌های تقنینی مربوطه نماید و از قرار دادن کنترل‌های پیشینی در حوزه هنر اجتناب نماید، همچنین باید توجه نماید که حوزه هنر، عرصه وضع قوانین خشک و سخت و زمخت نیست و انعطاف قانون‌گذاری را در حوزه هنر باید مراعات نماید همچنان که قانون‌گذار به هیچ وجه نمی‌تواند بدون مشارکت اصحاب هنر برای هنر و هنرمندان قواعد قانونی وضع نماید بلکه باید پیشنهادهای تقنینی و نیز بررسی ابتکارات قانونی در حوزه هنر با مشارکت کامل هنرمندان صورت پذیرد.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، بابک، حقیقت و زیبایی، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۴
۲. انگ، سوین، تورم تقنینی و کیفیت قانون، مجموعه مقالات گفتارهایی در قانون و قانون‌گذاری، ترجمه حسن وکیلان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰
۳. بلخاری قهی، حسن، آشنایی با فلسفه هنر، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۳
۴. پارکر، دویت اچ، مبانی زیباشناسی، ترجمه رحیم سبزان، نشر سبزان، چاپ اول، ۱۳۹۶
۵. حبیب نژاد، سید احمد، شرایط تحدید حقوق و آزادی‌ها با تأکید بر نظم عمومی، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق تطبیقی (نامه مفید)، شماره ۱۰۵، بهار و تابستان ۱۳۹۵
۶. حکمت نیا، محمود، چیستی آفرینش‌های هنری و ادبی و چرایی حمایت حقوق از آن‌ها، مجموعه مقالات همایش ملی فقه هنر، مدرسه اسلامی هنر، چاپ اول، ۱۳۹۵
۷. راسخ، محمد، محمدرضا رفیعی، نسبت حکومت با زندگی مطلوب «نگرشی به رویکرد کمال‌گرایی»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۰
۸. رحمت الهی، حسین، شیرزاد، امید، کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۹۶
۹. شبیری زنجانی، سید حسن، مطالعه تطبیقی چالش‌های حقوقی حمایت نظام کی‌رایت از هنرهای معاصر با تأکید بر حقوق ایران و انگلستان، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی فقه هنر، مدرسه اسلامی هنر، چاپ اول، ۱۳۹۵
۱۰. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، شهردانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸
۱۱. قربان‌نیا، ناصر، تحدید حقوق و آزادی‌ها، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱۰، سال سوم، پائیز ۱۳۸۵

۱۲. گراهام، گوردن، فلسفه هنرها، ترجمه مسعود علیا، نشر ققنوس، ۱۳۹۴
۱۳. موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، ۱۳۸۱
۱۴. هارت، هربرت، مفهوم قانون، ترجمه محمد راسخ، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۱۵. هاکسون، جان، جامعه‌شناسی هنر، ترجمه جمال محمدی، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۶
۱۶. هنفلینگ، اسوالد، چیستی هنر، انتشارات هرمس، ترجمه علی رامین، چاپ هشتم، ۱۳۹۳